

محاكمه‌ی صدام حسین و خسارت‌های جنگی ایران

پروفسور سیدحسین امین



۱- مدخل

با دستگیری صدام حسین، برنامه‌ریزی برای محاکمه‌ی او به عنوان جنایت‌کار جنگی، از مباحث داغ رسانه‌های جهانی است، اما در این میان، اصل مهم، مسؤلیت حقوقی دولت عراق نسبت به ایران و کویت که از سوی رژیم بعث و سیستم حکومتی عراق مورد حمله و تجاوز قرار گرفتند، مسکوت مانده است. ما در این مقطع، بار دیگر تکرار می‌کنیم که جنایات جنگی که حاصل آن خسارت‌های عظیم انسانی و مادی به کشورمان بود، نباید با مجازات شخصی و فردی صدام حسین تمام شود، بلکه خسارت‌های ایران باید از بودجه‌ی رسمی دولت عراق تأمین گردد.

آغازیدن جنگ، در نظام حقوق بین‌الملل نامشروع است و هرگونه عملی که صلح بین‌المللی را به خطر اندازد، باید بلافاصله به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع شود. اما متأسفانه بعضی دولت‌ها در مقاطعی دست به جنگ و حمله‌ی نظامی می‌زنند. به این اقدامات نظامی نامشروع، از نظر حقوقی باید رسیدگی شود. جنگ‌افروزی، از یک جهت مسؤلیت جزایی و کیفری دارد و از جهت دیگر مایه‌ی مسؤلیت حقوقی و مدنی می‌شود. از لحاظ حقوقی، آن دولتی که همچون جمهوری عراق مسؤول آغاز جنگی غیرقانونی و نامشروع شده است، اولاً باید برای جبران خسارت به دولت‌هایی که مسؤول آغاز جنگ نبوده‌اند، غرامت بپردازد و ثانیاً کشور آغازگر جنگ حق مطالبه خسارت ندارد. بنابراین دعوی صدام حسین، رئیس جمهوری عراق در مهرماه ۱۳۶۱ (به شرح مندرج در روزنامه تایمز ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۲) که ایران باید به عراق غرامت بپردازد، از لحاظ حقوقی به کلی بی‌اساس و مثل دیگر کارها و گفته‌هایش با اصول حقوقی و اخلاقی معارض بود.





۲- محاکمه و مجازات صدام

محاکمه‌ی علی صدام و دیگر جانیان جنگی، همچون رهبران نازی که آتش‌افروزان جنگ جهانی دوم بودند و در دادگاه نورنبرگ محاکمه شدند، اصلی است که علاقه‌مندان به قانون و معتقدان به اصول اخلاقی و حقوقی، نمی‌توانند با آن مخالفتی داشته باشند. دیوان کیفری بین‌المللی، اکنون یک نهاد قضایی دائمی برای محاکمه و مجازات عاملان جنایات بین‌المللی در سطح جهان است. امتیاز این دیوان آن است که به این نهاد صلاحیتی فراتر و بالاتر و مستقل از صلاحیت قضایی کشورهای مختلف داده شده است. اما چون قانون، عطف به ماسبق نمی‌شود، صدام را که قسمت اعظم جنایاتش را پیش از تشکیل این دیوان مرتکب شده، نمی‌توان در این دیوان محاکمه کرد.

تعقیب کیفری باید با اعلان جنایات متهم همراه باشد. جنایت‌های صدام عبارتند از: آغاز جنگ، حمله به ایران و کویت، نقض کلیه‌ی مقررات جنگی، بمباران و موشک‌باران مناطق غیرنظامی، نقض حقوق بشر، نسل‌کشی، استفاده از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی، حذف فیزیکی مخالفان در داخل و خارج، تروریسم دولتی و شکنجه و تبعید انبوهی از شهروندان عراق.

بعضی می‌گویند صدام باید در داخل عراق همراه دیگر سران حزب بعث محاکمه شود، زیرا محل وقوع بسیاری از این جنایات، عراق بوده است و لذا دادگاه‌های عراق و قضات عراقی صلاحیت رسیدگی دارند. دیگران می‌گویند با توجه به ابعاد بین‌المللی جنایات صدام، او باید در یک دادگاه بین‌المللی، در بیرون از حوزه‌ی قضایی عراق، محاکمه شود. جمع بین این دو نظر یعنی رأی گروه سوم آن است که دادگاه در عراق، اما توسط قضات غیرعراقی و براساس حقوق بین‌الملل شروع به کار کند. در این میان، ایران که در طول هشت سال

جنگ بیشترین خسارت‌های جانی و انسانی را از رژیم بعث دیده، چگونه باید به حقوق حقه‌ی خود برسد؟

۳- مطالبه‌ی خسارت جنگی

از حیثیت حقوقی، غرامت جنگی را می‌توان به شبه‌جرم تشبیه کرد و دانایان چنین نیز گفته‌اند. مباد کسی خرده بگیرد که شروع و ادامه‌ی جنگ غیرقانونی خود جرمی بین‌المللی است و از این رهگذر مطالبه خسارت از مجرم میسر است، چه چنان تعبیر و تفسیری توالی فاسده‌ی قضایی دارد و اهم آن معایب این است که جرم نوعاً وسیله‌ی اشخاصی معین واقع می‌شود که گردانندگان و سرکردگان یک حکومت در برهه‌ای معین اند و می‌آیند و می‌روند نه دولت. دولت (یعنی فی‌المثل جمهوری عراق)، به عنوان یک مملکت دائم و پایدار است، اما این رییس جمهوری عراق است که مسؤولیت جزایی و کیفری دارد. صدام حسین، مجرم است، او و حکومت او که دارایی و منابع مالی کافی ندارند تا جبران خسارت ایران و ایرانیان کنند پس باید دولت عراق و نه اعضای حکومت عراق، مسؤول پرداخت غرامت جنگ باشد و از این رهگذر علی‌التحقیق مبنای حقوقی این مسؤولیت، شبه جرم است نه جرم.

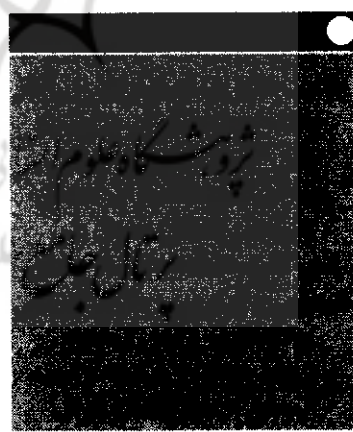


آری، تقریباً عموم حقوق دانان بین الملل، از دو سه قرن پیش از این، بر این نکته اتفاق نظر دارند که مسؤول جنگی غیرقانونی، نامشروع و ناموجه باشد، هم او خسارت های ناشی از جنگ را باید جبران و پرداخت کند. قرارداد صلح و رسای در مطالبه و تحمیل خسارت بر آلمان به حدی شدید بود که محققان این تحمیلات را علل عمده ی جنگ دوم جهانی دانسته اند.

فقه اسلامی نیز غنائم و غرامت های جنگی را علی الاصل روی همین موازین تجویز کرده است. هر چند بعضی از احکام غنیمت در اسلام از احکام امضایی و نه تأسیسی است. مثل این که در عهد جاهلیت چون اعراب قبیله ای به زور بازو یا قدرت شمشیر و نهب و غارت از قبیله ی دیگر چیزی می ستاندن مالک آن می شد و اما بهترین غنیمت ها (صفایا) به رئیس قبیله اختصاص می یافت و چنان که معروف است 'صفایا' شامل مرکب خوب (فاره) و لباس ممتاز (نوب مرتفع) و زن زیباروی (جاریه ی نیکو) می شد. در اسلام هم 'صفایا' به پیامبر و امام یا خلیفه و اولوالامر اختصاص داشت. اما دیگر غنیمت ها را جنگجویان پس از ادا مالیات شرعی (خمس) تصاحب می کردند.

طرز عمل و رویه ی دولت ها و ممالک مختلف نیز اصل استحقاق دریافت غرامت جنگی را به خوبی تثبیت می کند. فی المثل، ماده ی دهم قرارداد منعقد بین یونان و بلغارستان مورخ ۱۹۲۵ میلادی، مقرر می دارد که دولت خاطی و مسؤول، باید خسارت های ناشی از جنگ را بپردازد، نیز همه می دانند که پس از جنگ دوم جهانی، متفقین مخصوصاً در کنفرانس مسکو در ۱۹۴۳ میلادی، اتفاق کردند که دولت های آلمان و ژاپن و متحدان اروپایی اینان، خسارت های وارده به شوروی و دیگر متفقین و هم به کشورهای اشغالی را بپردازند. نیز دولت مصر پس از آن که انگلیس و فرانسه و اسرائیل در اکتبر ۱۹۵۶ بر اثر ملی شدن کانال سوئز به مصر حمله کردند، تقاضای غرامت جنگی از دول متخاصم و مسؤول کرد. اسرائیل چیزی نپرداخته اما در اوت ۱۹۵۸، فرانسه و مصر و پس از آن انگلیس و مصر، طی معاهداتی که عنوان

غرامت جنگی نداشت، بلکه به نام قراردادهای تجاری و بازرگانی به امضا رسیده بود، با اشاره ی مستقیم به صدمات و خسارت های وارده به قلمرو مصر، موجبات رضایت این کشور را فراهم کردند و امتیازاتی مالی به مصر دادند که این کشور رسماً از گرفتن غرامت جنگی صرف نظر کرد.



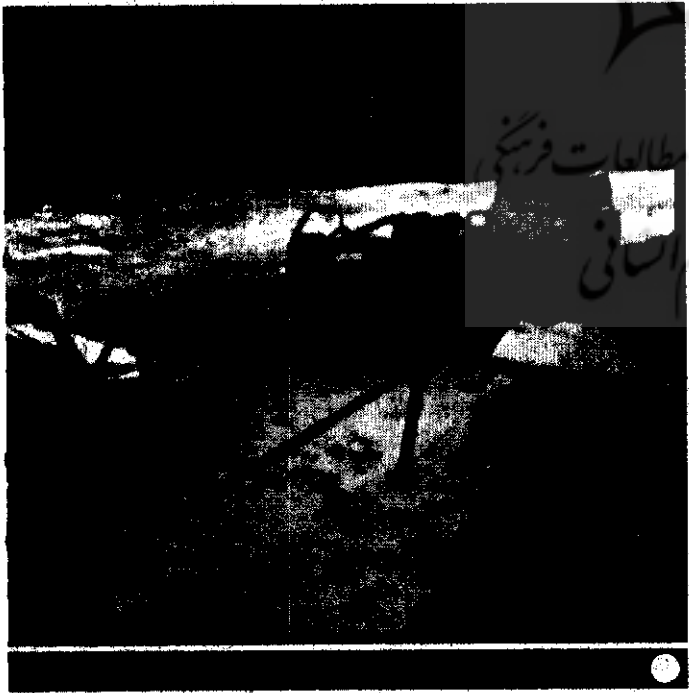
در جنگ ایران و عراق هم

که در سال ۱۳۵۹ بر اثر حمله ی عراق به ایران آغاز شد، ایران بر همین مبنا، از عراق غرامت مطالبه کرده است تا به مصرف بازسازی مناطق جنگ زده و جبران خسارت های وارده برسد و این حق قطعی ایران است، زیرا هم در حقوق اسلام و هم در حقوق بین الملل، غاصب و ظالم، مسؤول خسارت های وارده به طرف مظلوم است. وقتی که مسؤولیت مدنی در حقوق بین المللی ثابت شد، چه این مسؤولیت

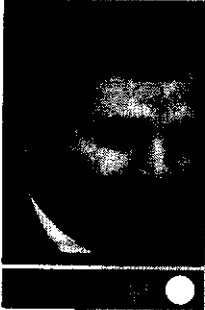
ناشی از قرارداد باشد، چه خارج از قرارداد بر اثر شبه جرم حاصل شده باشد، دولت مسؤول، ملزم به جبران خسارت و پرداخت غرامت است. دیوان دائمی دادگستری بین المللی در رأی معروف خود در قضیه ی کارخانه ی کروزف (Crozow Factory) (مورخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۲۸)، جبران ضرر و زیان را به عنوان یک اصل تثبیت شده در حقوق بین المللی پذیرفت.

خسارت هایی که در حقوق بین الملل قابل مطالبه استه همچون حقوق داخلی دو نوع است: اول خسارت مادی است مثل خسارتی که از عمل مستقیم یک دولت ناشی شود، مثل تخریب یا ضبط و مصادره اموال یا شکستن قرارداد و عدم وفا به عهد. ایران از امریکا و امریکا از ایران میلیاردها دلار از باب نقض قراردادهای تجاری مطالبه کردند و هر یک علیه اتباع دولت دیگر یا مؤسسات دولتی طرف دیگر، در دیوان ویژه داوری ایران و امریکا در لاهه که برابر بیانیه الجزایر تشکیل شد، از یکدیگر دعوی خسارت کردند. از همین مقوله است مطالبه ی غرامت از ناحیه ایران علیه عراق که بر اثر تخریب و قتل و هدم و ایجاد خسارت های مادی و مالی، عراق به پرداخت خسارت مکلف است.

نوع دیگر خسارت، ضرر و زیان اخلاقی است که به آن ضرر و زیان معنوی گویند که بر اثر نقض حقوق غیرمالی، مثل ایجاد بی امنیتی یا ممانعت از عبور و مرور در دریاها یا آزاد یا نقض مصونیت سیاسی و غیره حاصل می شود. مثلاً امریکایی ها پس از اشغال سفارت امریکا در تهران می توانستند برای نقض مصونیت سیاسی، علیه ایران دعوی خسارات اخلاقی و سیاسی کنند، اما بیانیه ی الجزایر بر این مبنا امضا شد که امریکایی ها در این باب از حقوق احتمالی خود صرف نظر کنند. خسارت معنوی یا غیرمادی، در حقیقت در حقوق بین المللی همان است که در حقوق داخلی به آن ضرر معنوی گویند، مثل توهین و بی احترامی. چنان که ماده ی اول قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۷ اردیبهشت ۱۳۳۹، گوید: 'هرکس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در



استبداد رای و رمز فروپاشی



سید علی خامنه‌ای

شکری دکن، سال‌ها وزیر اقتصاد و وزیر تعلیم و تربیت عراق بود. در عراق پیش از حاکمیت مطلق العنان و بی‌مهار صدام حسین. وقتی صدام حسین قدرت را قبضه می‌کند به تسویه مخالفان خود می‌پردازد. بدیهی است مخالف هم کسی است که صدام گمان می‌کند مخالف است. جوخه ترور صدام به خانه شکری دکن حمله می‌کند و همسرش را می‌کشد. خود او هم از عراق می‌گریزد و اکنون سال‌های سال است در ایوایی زندگی می‌کند. پیرمردی در دهه هشتاد عمر خود و راوی روایت تلخ استبداد.

از او پرسیدم؛ اکنون که صدام از صحنه حذف شده و ساختار قدرت بحث در عراق فروپاشیده، چه تحلیلی از اوضاع دارد و از نظر او مهم‌ترین علت فروپاشی کدام است؟

گفت: 'راز و رمز فروپاشی در اصل ۲۲ قانون اساسی عراق است. براساس این اصل همه راه‌ها به صدام ختم می‌شد. قوای سه‌گانه و تفکیک قوا، بازی کره‌انگیزی پیش نبود. اصل ۲۲ می‌گوید: شورای فرماندهی انقلاب، صلاحیت انجام امور زیر را دارد. الف: صدور قوانین و فرامین که اعتبار قانونی دارند. ب: صدور تصمیماتی که برای اجرای قوانین مصوبه ضروری است.

به عبارت دیگر هرچه آن خسرو کند شیرین بود! شکری دکن می‌گفت: در سال ۱۹۷۵ اعلام شد که براساس مصالح ملی و در اجرای اصل ۲۲، عراق با ایران توافق می‌کند. قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر امضا شد. در اسفند جنگ عراق با ایران، صدام در یک نطق تلویزیونی، براساس اصل ۲۲، همان توافقنامه را پاره کرد و گفت: 'براساس اصل ۲۲ و دفاع از مصالح عراق این قرارداد اعتباری ندارد'. سومین بار وقتی عراق کویت را اشغال کرده، صدام براساس اصل ۲۲ اعلام کرد که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را می‌پذیرد. نجبگان و سیاستمداران و مردم هم، همگی خاموش بودند و گوش به فرمان و سر در چنبره اطاعت صدام. سرانجام این نحوه اداره کشور و قدرت بی‌مهار غیرباصطحک، غیر از هلاکت چیزی نیست.

در دهه گذشته، حمله به عراق و سقوط بغداد دومین بار است که در تاریخ تکرار می‌شود. بار نخست هم استبداد مردم و خلافت بغداد را از درون پوسانده بود و در برابر حمله هلاکو و زوال حکومت خلیفه‌ای که نماند، مردم نظاره‌گر بودند؛ و در مورد صدام حتی نقشی از گارد جمهوری و فتنایان صدام در دفاع از او برجای نماند.

نتیجه‌ی بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی، یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. مواد ۸ و ۹ قانون مسؤولیت مدنی، به طور تفصیلی موضوع خسارت معنوی را تشریح می‌کند.

۴- روش‌های جبران خسارت

روش‌های جبران خسارت در حقوق بین‌المللی هم به همان نوع است که در حقوق داخلی است، یعنی محکمه یا دیوان دآوری ممکن است به اعاده شیء به وضع اولیه و حالت قبل از ایجاد علت دعوی حکم کند یا اگر خسارت صرفاً اخلاقی و معنوی است، به مسؤول و محکوم علیه حکم کند که با دادن اعلامیه یا به طرق دیگر به اشتباه خود اقرار کند و یا به وجهی دیگر به ارضاء خاطر و جلب رضایت مقابل بکوشد، چنان که شورای امنیت سازمان ملل متحد در قضیه ربودن آیشمن (تبهکار آلمان نازی) از خاک آرژانتین وسیله‌ی اسرائیل که نقض حاکمیت آرژانتین تلقی می‌شود، به محکومیت اسرائیل حکم کرد. اما مهم‌ترین و عادی‌ترین نوع جبران خسارت، همان تقویم ضرر و زیان به مبلغ معینی وجه نقد است چنان که رای دیوان دائمی دآوری در قضیه غرامات جنگی دولت عثمانی به روسیه تزاری (۱۱ نوامبر ۱۹۱۲) حکم کرد که 'مسؤولیت‌های مختلف دولت‌ها از جهت حقوق تفاوتی اساسی با یکدیگر ندارد و معمولاً همه آن‌ها را با پرداخت مبلغ کافی می‌توان رفع کرد.'

دولت (و ملت) ایران در سطوح مختلف، حق مطالبه‌ی غرامت (و خسارت) از دولت عراق دارد. دولت ایران، می‌تواند نه تنها هزینه‌ی تمام تخریب‌های ناشی از حمله‌ی نظامی و موشک‌باران عراق را مطالبه کند، بلکه می‌تواند بهای تمام اسلحه‌ای که برای دفاع کشور هزینه کرده است، از عراق بگیرد.

